

قیام سراسری آبان، گرامی داشت، درس‌ها و تجارب



در آستانه سالروز قیام آبان ۹۸ ایستاده‌ایم. قیامی که در تمام دوران حاکمیت جمهوری اسلامی نظیر نداشت و موجودیت تمام جناح‌ها و کل طبقه حاکم و رژیم سیاسی پاسدار منافع این طبقه را به خطر انداخت. وحشتی را که قیام آبان در دل حاکمان انداخت چنان بزرگ و مهیب و سهمگین بود که یک سال پس‌از آن نیز صرف یادآوری قیام آبان ریشه مرگ بر اندام آن‌ها می‌اندازد. جمهوری اسلامی با اعلام ناگهانی سه برابر شدن قیمت بزرین در ساعت ۲۴ پنجشنبه‌شب، مانند دزدانی که نیمه‌های شب هنگامی که مردم خوابند در صفحه ۳

در محکومیت وحشی‌گری اسلامی و دفاع از آزادی بیان بی هیچ حد و مرزی

قتل فجیع ۳ نفر، ۳ انسان در شهر نیس فرانسه، در ادامه قتل وحشیانه معلم فرانسوی، در وهله‌ی اول حمله‌ی جنایتکارانه‌ی ارتجاع اسلامی به آزادی بیان است، حمله‌ای برای بستن دهان‌ها. جناباتی که مقامات مذهبی و حاکمان دولت‌های ارتجاعی اسلامی نقش مهمی در شکل‌گیری آن دارند. همان‌هایی که با تکیه زدن بر اریکه قدرت، مردم را به دلیل بیان نظرات‌شان، و با به دلیل مخالفت‌شان با نظم حاکم به دار می‌کشند. همان‌ها که در کشورها و یا مناطقی که حاکم هستند، قوانین مجازات اسلامی را جاری ساخته و براساس همان قوانین، کسانی را که به "مفاسدات اسلام"، "توهین و اهانت" کنند به جرم "سب‌النبی" اعدام می‌کنند. همان‌ها که با آزادی بیان مخالفند چرا که آگاهی مردمان موقعیت آن‌ها را به خطر می‌اندازد.

تورم، افسارگسخته به پیش می‌تازد، مرکز آمار، دروغ تحویل مردم می‌دهد

در صفحه ۸

مردمی که در سکوت کشتار می‌شوند

رقم زده است. پرستاران و کادر درمانی کشور، در پی چندین ماه ایثار، از خود گذشتگی و کار طاقت فرسای شبانه روزی، به کلی خسته و فرسوده شده‌اند. در چنین وضعیت فاجعه باری که کابوس مرگ تمام پهنه ایران را فرا گرفته است، بی تفاوتی، بی دردی و بی مسئولیتی دولت و کل هیئت حاکمه ایران، زخمی ناسورتر از ویروس مرگبار کرونا بر تن و جان توده‌های مردم ایران نشانده است.

این روزها، دیگر کسی از "دوشنبه سیاه کرونایی" حرف نمی‌زند. دوشنبه سیاهی که سیما سادات لاری "طبق معیارهای قطعی تشخیص" وزارت بهداشت، از جان باختن ۳۲۷ نفر و مبتلا شدن ۴ هزار و ۲۵۱ نفر در ۲۸ مهر ۹۹، خبر داد. روزی که حیرت و ناباوری کل جامعه را فرا گرفت. روز مرگباری که پاره‌ای از روزنامه‌های حکومتی، از آن با عنوان "روز سیاه کرونایی" نام بردند. اکنون اما تعداد جان باختگان روزانه کرونا، بر اساس همان آمارهای جعلی سخنگوی وزارت بهداشت از مرز ۴۰۰ نفر هم گذشته است.

در صفحه ۵

"کنون که شهر دمام به دست تاراج است"

تو جام را بگذار

و تیشه را بردار

چرا؟

که ریشه‌ی این رُشد کرده زهر آگین

به تیشه محتاج است."

شیوع ویروس کرونا در ایران از مرز فاجعه گذشته است. ابر سیاه کشتار و مرگ، سرتاسر کشور را فرا گرفته است. میزان مبتلایان و جان باختگان کووید ۱۹، طی روزهای اخیر به طرز وحشتناکی بالا رفته است. با شیوع روز افزون بیماری کرونا، ناکارآمدی نظام درمانی، پزشکی و بهداشتی دولت جمهوری اسلامی بیش از پیش برای همگان آشکار شده است.

کمبود دست کم ۱۵۰ هزار کادر پرستاری و ده‌ها هزار پزشک و کادر درمانی، پر شدن تخت‌های بیمارستانی و فقدان تجهیزات لازم پزشکی برای مبتلایانی که نیازمند مراقبت‌های ویژه در بخش‌های آی سی یو هستند، جملگی شرایط بسیار رنج‌آوری را برای انبوه بیماران کرونایی

صبح ۵ شنبه ۸ آبان (۲۹ اکتبر) یک جوان ۲۱ ساله‌ی تونسی که تازه ماه سپتامبر از طریق ایتالیا پا به اروپا گذاشته بود، با چاقو وارد کلیسای "نتردام د لاسومپسیون" در مرکز شهر نیس در جنوب فرانسه شد و به حاضرین در کلیسا حمله کرد. جوان تونسی خادم کلیسا را که دو فرزند داشت و همواره در صف کمک به پناهندگان بود با بریدن گلویش به قتل رساند. یک زن ۴۰ ساله مورد اصابت ضربات کارد او قرار گرفت و اگرچه از کلیسا فرار کرد اما اندکی بعد بر اثر جراحات وارده جان باخت. چند تن دیگر با ضربات کارد او زخمی شدند، اما جان بدر بردند. دیگر قربانی این جنایت فجیع یک زن ۷۰ ساله بود که قاتل سر وی را از تن جدا کرد.

حدود ۲ هفته قبل، ساموئل پاتی قربانی واپس‌گرایان شده بود. ساموئل پاتی معلم تاریخ و جغرافیا در دبیرستانی در شهر "کنفلان سنت انورین" بود که سعی داشت آزادی بیان و اهمیت آن را به دانش‌آموزانش بیاموزد. روز جمعه ۲۵ مهر (۱۶ اکتبر) جوانی ۱۸ ساله به نام عبدالله ابویزدویچ او را به "جرم نابخشودنی" نشان دادن کاریکاتور محمد "پیامبر مسلمانان" با یک چاقوی ۳۰ سانتی‌متری وحشیانه سر برید. عبدالله ابویزدویچ از چچن به فرانسه پناهنده شده بود!!! وی متولد مارس ۲۰۰۲ بود و در مارس ۲۰۲۰ اجازه اقامت (پناهندگی) ۱۰ ساله از دولت فرانسه گرفته بود. او که در شهر

در صفحه ۲

کارگران بازداشت شده شرکت نیشکر هفت تپه باید فوراً آزاد شوند

در صفحه ۷

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

در محکومیت وحشی‌گری اسلامی و دفاع از آزادی بیان بی‌هیچ حد و مرزی

اسلامی هستند که نقش مهمی در این جنایات ایفا کردند و حتی از جنایات آن قاتلان نیز با تمام وحشی‌گری‌شان قربانی این افراد و دولت‌ها هستند. دولت‌هایی که بقای‌شان بسته به ناآگاهی مردمان و خرافه و خرافه‌پرستی است. دولت‌هایی که خود در داخل کشور هر گونه صدای آزادی‌خواهی را سرکوب کرده و به بهانه‌های گوناگون انسان‌ها را به زنجیر می‌کشند. منافع آن‌ها در ناآگاهی مردم و گسترش خرافه و خرافه‌پرستی است و آزادی بیان در نقطه مقابل تلاش این دولت‌ها برای ناگاه نگاه داشتن توده‌ها قرار دارد. دولت جمهوری اسلامی برجسته‌ترین نمونه چنین دولت‌هایی است، دولتی که در این زمینه با گروه‌هایی همچون القاعده، داعش و طالبان نقاط مشترک فراوانی دارد^(۱).

در ماجرای اخیر، جمهوری اسلامی از همان ابتدا تلاش کرد تا در نقش رهبر شیعیان جهان، نقش برجسته‌ای در این جو "ضد فرانسوی" ایفا کند و از رقیب ترک خود عقب نماند. خامنه‌ای که در همان روزهای اول اقدام مجله "شارلی‌ابدو" در باز نشر کاریکاتور محمد را "نگاه بزرگ و نابخشودنی" نامیده بود، هرگز کلمه‌ای در محکومیت قتل معلم فرانسوی و سپس قتل ۳ نفر در شهر نیس بر زبان نیاورد. حتی زمانی که جنایت نیس رخ داد، ۱۳۰ نماینده مجلس اسلامی روز ۱۰ آبان بیانیه‌ای صادر کردند و باز بدون اشاره به این قتل‌های وحشیانه نوشتند: "به دولتمردان فرانسه تذکر می‌دهیم که ضمن ابراز ندامت صریح از این اقدام شنیع و غیرانسانی از تمامی ملت‌های مسلمان جهان دلجویی و عذرخواهی نمایند که در غیر این‌صورت خشم جامعه مسلمانان جهان و تمامی موحدین جهان مومنین الهی را نسبت به سیاست‌های اتخاذی و کفر آمیز خود متوجه خواهند ساخت".

در روز چهارشنبه ۷ آبان نیز تعدادی از عوامل حکومت با برگزاری تجمعی در برابر سفارت فرانسه بیانیه‌ای منتشر کردند که در آن خطاب به مکرون آمده بود: "دیر نباشد که به حکم قطعی خداوند، پس از پیروزی نهایی حق بر باطل، خبر به درک واصل شدن و خوراک مار و مور شدنش (یعنی مکرون) مایه‌ی سرور همی آزادگان و مظلومان جهان شود".

به بیان دیگر هم سخنان خامنه‌ای و هم بیانیه مجلس و ارنالد و اوباش خیابانی‌شان چیزی جز تشویق و تبلیغ تروریسم اسلامی نیست. در این میان حتی فرد شماره یک دیپلماسی جمهوری اسلامی نیز حرف چندان فراتر از رهبرش برای بیان نداشت. محمد جواد ظریف بعد از قتل وحشیانه سه نفر در شهر نیس در حساب کاربری خود در توئیتر نوشت: "ما حمله تروریستی امروز در نیس را به شدت محکوم می‌کنیم. این دور باطل تشدید - نفرت‌پراکنی، تحریک و خشونت - باید با منطق و عقلانیت جایگزین شود. همگان باید بدانند که افراطگرایی تنها افراطگرایی بیشتر به همراه می‌آورد و نمی‌توان از طریق تحریک‌آفرینی‌های زننده به صلح دست یافت". بدین ترتیب فرد شماره یک دیپلماسی جمهوری اسلامی نیز در توثیق خود نقد مذهب و کشیدن کاریکاتور محمد را برابر با کشتار فجیع آدم‌ها دانست!!! او در واقع از مردم جهان

پرده دولت فرانسه دست پیدا کنند، آن را انتشار می‌دهند و لزومی به کسب اجازه از هیچ ارگانی نیست. چیزی که مقامات دیکتاتور و سرکوبگر کشورهایی چون ایران و ترکیه قادر به درک آن نیستند.

اما در همین کشور که دولت و دین از هم جداست و دولت اجازه ندارد هیچ‌گونه حمایتی از نهادهای مذهبی کند، در اثر مماشات دولت امپریالیستی فرانسه با دولت‌های مرتجع اسلامی، به آن‌ها این امکان داده شد تا از واپسگرایی و خرافات اسلامی در فرانسه حمایت مالی کرده و آن را توسعه دهند. پرداخت حقوق به امامان این مساجد از طرف دولت‌های مرتجع اسلامی که در راس آن نیز دولت ترکیه قرار دارد یک نمونه است. همچنین دولت فرانسه به دولت‌های مرتجع اسلامی این امکان را داد تا امامان مرتجع را از کشورهای خود به فرانسه بفرستند تا اداره مساجد را برعهده گیرند.

بنابراین مماشات دولت فرانسه با دولت‌های مرتجع اسلامی خود یک دلیل رشد این جریان‌ها واپسگرا و خرافه‌پرست در فرانسه است. البته این را نیز باید گفت که در این زمینه دولت فرانسه تنها نیست، بلکه سایر دولت‌های اروپایی نیز این امکان را برای دولت‌های مرتجع اسلامی فراهم کردند و حتی پا را از آن هم فراتر گذاشتند. برای مثال در برخی از این کشورها، دولت‌ها پول و امکانات مالی نیز در اختیار این مراکز مذهبی قرار دادند و یک نمونه آن دولت آلمان است.

دولت آلمان که با ورود تعداد زیادی پناهجو از کشورهای اسلامی روبرو شده بود، پروژه‌ای به نام "پیشگیری از افراطگرایی" را آغاز کرد و در این پروژه به برخی از نهادهای مذهبی برای جلوگیری از افراطگرایی در میان پناهجویان کمک مالی کرد. یکی از این مراکز "انجمن اسلامی جوامع شیعه آلمان" بود که ۳۸۰ هزار یورو در فواصل سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹ از دولت آلمان پول گرفت. اما نکته مهم این است که عضو اصلی این نهاد، "مرکز اسلامی هامبورگ" است که حتی امامان آن از سوی دولت جمهوری اسلامی اعزام می‌شوند، یعنی تنها دولتی که بالاترین مقام آن، علنا فتوای قتل یک نویسنده یعنی سلمان رشدی را به خاطر نوشتن یک کتاب صادر کرده بود!!! آن وقت دولت آلمان تحت پوشش مبارزه با افراطگرایی به عوامل افراطی همین دولت کمک مالی می‌کرد. بر این نکته باید تاکید ویژه کرد که رشد اسلامگرایی افراطی اساسا محصول انحطاط نظام سرمایه‌داری است، مناسباتی که در دوران بالندگی خود منادی و پرچمدار مبارزه با خرافات مذهبی بود و اندیشمندان برجسته‌ای چون ولتر و روسو داشت. اما اکنون تنها یک بررسی کوتاه از چگونگی رشد اسلامگرایی افراطی در جهان نقش دولت‌های امپریالیستی در آن را بر ما آشکار می‌سازد.

اما طرف دیگر ماجرا که آتش‌بیار این جنایات هستند، همان مقامات مذهبی و دولت‌های مرتجع

اووروکس در نرماندی و در حدود ۱۰۰ کیلومتری این جنایت فجیع زندگی می‌کرد، پس از قتل آموزگار دلسوز ساموئل پاتی پیامی صوتی در شبکه‌های اجتماعی منتشر ساخت. او در این پیام با صدایی لرزان، پس از خواندن آیه‌ای از قرآن گفت "انتقام" پیامبر را گرفته است چرا که او "تصاویر موهنی" از پیامبر نشان داده بود. قاتل ۱۸ ساله در پایان پیام خود می‌گوید: "برادران! دعا کنید خداوند مرا به عنوان شهید قبول کند!!!!"

شعله‌ی این جنایات توسط مقامات مذهبی و حکومتی دولت‌های مرتجع اسلامی از چندی پیش برافروخته شده بود. یک روز قبل از آغاز محاکمه ۱۴ نفر به اتهام همدستی و داشتن نقش در حمله به دفتر مجله "شارلی‌ابدو" در سال ۲۰۱۵ (که ۱۲ نفر کشته شدند و در جریان حوادث دو روز بعد از آن نیز ۵ نفر دیگر کشته شدند)، مجله فکاهی "شارلی‌ابدو" اقدام به باز نشر کاریکاتورهای محمد "پیامبر اسلام" کرد و با تیتر بزرگ نوشت: "تاریخ را نمی‌توان باز نویسی و یا پاک کرد".

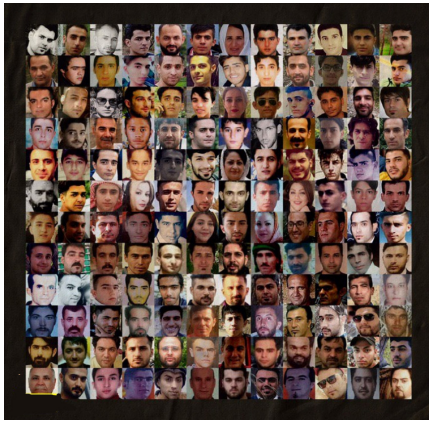
بعد از اقدام شجاعانه "شارلی‌ابدو"، رهبران مذهبی مفت‌خور و فاسد مسلمان و همصدا با آن‌ها رهبران جنایتکار و مسلمان برخی از کشورها از جمله خامنه‌ای علیه مجله "شارلی‌ابدو" لفاظی کرده و خواستار پاسخ مسلمانان جهان شدند!!! اولین پاسخ، حمله یک جوان ۱۸ ساله‌ی پاکستانی تبار با ساطور به عابران در نزدیکی دفتر پیشین مجله‌ی "شارلی‌ابدو" و زخمی شدن ۲ عابر به تاریخ جمعه ۴ مهر (۲۵ سپتامبر) بود!!! و در ادامه جنایت در شهرهای "کنفلان سنت انورین" و "نیس".

اما چگونه بستر چنین جنایات فجیعی بوجود آمد، نقش دولت‌ها در این میان چیست و آیا محدوده‌ای برای آزادی بیان وجود دارد؟!

اگر مکرون رئیس‌جمهور و نماینده دولت امپریالیست فرانسه از آزادی بیان، جدایی کامل دین و دولت و خلاصه باز نشر کاریکاتورهای محمد و تلاش شجاعانه ساموئل پاتی برای توضیح آزادی بیان در مدرسه دفاع می‌کند، بیش از هر چیز نتیجه افکار عمومی فرانسه و سنت‌های پذیرفته شده در این جامعه است که به سیاستمداران اجازه عدول از این اصول از جمله آزادی بیان را (حداقل در حرف) نمی‌دهد، وگرنه همین دولت فرانسه بارها در اشکال پنهان و آشکار از دولت‌های ارتجاعی و جنایتکار اسلامی همچون جمهوری اسلامی حمایت کرده و با آن‌ها وارد معاملات سیاسی شده است. اگر مکرون می‌توانست، شکی نباید داشت که به دلیل منافع سرمایه‌داران فرانسوی از باز نشر کاریکاتور محمد جلوگیری می‌کرد، اما نمی‌توانست.

در فرانسه برخلاف کشورهایی چون ایران یا ترکیه اداره سانسور وجود ندارد تا مانع انتشار خبر، مقاله، کتاب و یا کاریکاتوری شود، و نه فقط این بلکه اگر روزنامه‌نگاران خوب و با وجدان این کشور به اسرار و یا زدوبندهای پشت

قیام سراسری آبان، گرامی داشت، درس‌ها و تجارب



فشار دستگاه‌های دولتی و جمهوری اسلامی را تحمل کند و برای تغییر وضع موجود از جان خویش نیز گذشتند. خصلت ضد سرمایه‌داری و ضد استبدادی و ضد دولت دینی قیام که شعار کار نان آزادی در محور مطالبات آن بود، سران رژیم را به نحو مرگباری به وحشت انداخت. قیام سراسری، تمام نظم موجود را مورد تهدید جدی قرارداد و "امنیت" آن را به خطر افکند. تمام سران و نهادهای حکومتی در جلسات و گفتگوهای اضطراری احاطه‌شده در وحشت و سراسیمگی، شمشر از نیام برکشیدند. اعتراض‌کنندگان را "اخلال‌گر" خوانند و تهدیدات خود به برخورد جدی را بلافاصله از همان نخستین روزهای قیام به مرحله اجرا گذاشتند. خامنه‌ای سرکرده دزدان و مفسدان و اشرار، قیام‌کنندگان را "اشرار" خواند و به سبک و سیاق سلف خون‌خوار خود خمینی جلد، مستقیماً فرمان سرکوب حداکثری و کشتار وسیع مردم را صادر کرد. شلیک گلوله و تیراندازی از فاصله نزدیک به سر و سینه به‌مقصد کشتن قیام‌کنندگان، حاوی این توصیه و امریه خامنه‌ای بود که تا جایی که می‌توانید بکشید، هر طور می‌توانید با مردم مقابله کنید و "به هر شکل ممکن" به اعتراضات پایان دهید. خیابان‌ها و گذرگاه‌ها از خون قیام‌کنندگان رنگین شد. صدها جوان مبارز و سلحشور با گلوله مزدوران حکومتی به خاک افتادند. اگرچه رژیم سرکوبگر حاکم آمار دقیق کشته‌ها و زخمی‌ها و بازداشتی‌های قیام آبان را منتشر نکرده است، اما وحشی‌گری‌های رژیم خون‌خوار جمهوری اسلامی، هزاران کشته و زخمی برجای گذاشت و هزاران تن دیگر نیز بازداشت و روانه شکنجه‌گاه شدند. نقوی حسینی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، تعداد بازداشتی‌ها را ۷ هزار نفر اعلام کرد. ذوالنور رئیس این کمیسیون، هفت ماه بعد از قیام، شمار کشته‌شدگان را ۲۳۰ نفر اعلام کرد. اما آمار واقعی بسیار بیشتر از این‌هاست. خبرگزاری رویترز در گزارشی اختصاصی به نقل از منابع دولتی در ایران، شمار کشته‌شدگان را ۱۵۰۰ نفر از جمله ۱۷ کودک و نوجوان و حدود ۴۰۰ زن اعلام نمود. شمار زخمی‌ها نیز چند هزار نفر و بازداشتی‌ها متجاوز از ۱۰ هزار نفر بوده است. از آبان ۹۸ تاکنون ده‌ها تن از این بازداشت‌شدگان نیز به جوخه مرگ سپرده‌شده و یا به حبس‌های درازمدت محکوم شده‌اند. قیام آبان ۹۸ با وحشی‌گری و کشتار بی‌رحمانه رژیم خون‌خوار و آدمکش جمهوری اسلامی پس

درآمد. بار دیگر خیابان به محل پیکار توده‌های به‌جان‌آمده تبدیل شد. چه دی باشه چه آبان، پیکار کف خیابان. ایجاد رابندگان‌های بزرگ و اشغال بزرگراه‌ها و سنگ‌رندی خیابانی، عبور و مرور وسایل نقلیه و انتقال و جابجایی نیروهای سرکوب را تا حد زیادی مختل کرد. گسترده‌گی قیام به لحاظ جغرافیایی و پرشمار بودن محل تظاهرات توده‌ای، نیروی سرکوب را زمین‌گیر و تقریباً فلج ساخت. روحیه بالا و تعرضی توده‌هایی که خیابان‌ها را فتح کرده بودند، یادآور روحیات انقلابی مردم در واپسین روزهای رژیم سلطنتی بود. توده‌های خشمگین و ناراضی به تنگ آمده از فشارهای اقتصادی و سیاسی با یورش به مراکز ستم و سرکوب در ابعادی که تا آن زمان سابقه نداشت، عزم و اراده خود را برای تعیین تکلیف نهایی با جمهوری اسلامی و تمام نظم موجود نشان دادند. صدها پایگاه بسیج و سپاه، دفتر امام‌جمعه، مرکز تبلیغ خرافات مذهبی دستگاه فریب و تحمیق روحانیت، بانک، وسایل حمل‌ونقل نیروی پلیس و پمپ‌بنزین را به آتش کشیدند. عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور ۵ آذر ۹۸ گفت: بیش از ۵۰ پایگاه و پاسگاه نظامی و انتظامی، ۷۳۱ بانک، ۹ مرکز مذهبی، ۷۰ پمپ‌بنزین، ۱۸۳ خودرو نظامی و انتظامی مورد حمله قرار گرفته است. وی بعدتر از آسیب‌دیدگی و تخریب ۲۳۰ خودرو دولتی، ۵۶۹ خودرو و موتور نیروهای امنیتی و انتظامی، ۹۹۱ بانک و ۲۳ مرکز سوخت سخن گفت. توده‌های مردم با یورش به این مراکز و به آتش کشیدن آن، نفرت عمیق خویش از نظام سرمایه‌داری و مراکز مالی آن و همچنین انزجار خویش از نهادهای حافظ نظم موجود را به نمایش گذاشتند. اقدامات رادیکال و تعرضی و شعارهای توفنده صدها هزار تن از پابرهنگان، جوانان، زنان، بی‌چیزان، کارگران، زحمتکشان، بیکاران و تهیدستان جامعه درحالی‌که هیچ‌گونه خسارت و گزندی به اموال خصوصی مردم وارد نیامد، ناشی از آگاهی قیام‌کنندگان و هدفدار بودن قیام بود. آنچه در هفته آخر آبان ۹۸ رخ داد، بسیار فراتر از خیزش گسترده دی‌ماه ۹۶ بود و برخلاف آنکه بسیاری سعی کردند با اطلاق واژه شورش، از عظمت آن بکاهند، قیام آبان ۹۸ از همه خیزش‌ها و شورش‌ها و برآمدهای توده‌ای در تمام دوران حاکمیت جمهوری اسلامی برجسته‌تر و عظیم‌تر بود. توده‌های زحمتکش و ناراضی در وسعتی کم‌سابقه در نقاط مختلف هر شهر به خیابان آمدند و نیروی سرکوب رژیم را مستأصل ساختند. مجتبی ذوالنور رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس روز دوشنبه ۲۵ آبان ۹۸ در این مورد گفت: در ۱۴۷ نقطه در تهران و بیش از ۷۰۰ نقطه در سراسر کشور درگیری وجود داشته است. جوانان جسور و مبارز با شجاعت و نترسی، ارگان‌های نظامی و بسیج و سپاه را یکی پس از دیگری به آتش کشیدند. توده‌های مردم با شعارها، تاکتیک‌ها و اشکال عالی و رادیکال مبارزه و چنگ در چنگ شدن با رژیم سرتاپای مسلح نشان دادند که مصمم‌اند سرتاپای نظم موجود را ویران کنند. مردم دیگر نمی‌خواستند و نمی‌توانستند زور و

خانه آن‌ها را خالی می‌کنند، یکبار دیگر به جیب مردم دستبرد زد تا آخرین ریال‌های باقی‌مانده در ته جیب آن‌ها را نیز سرقت کند. مردم بیدار و نثار اما در اعتراض به این تصمیم از همان نیمه‌شب و نخستین ساعات روز جمعه ۲۴ آبان وارد خیابان‌ها شدند. اعتراضات توده‌ای علیه افزایش قیمت بنزین و مخالفت گسترده توده‌های زحمتکش مردم با آن، بی‌درنگ به یک اعتراض توده‌ای علیه سران رژیم و تمام نظم موجود سمت‌گیری کرد و به یک مبارزه مستقیم تمام‌عیار سیاسی و قیام سراسری برای براندازی نظم موجود تبدیل شد. آتش خشم مترام شده‌ای که مدت‌ها زیر خاکستر بود به ناگاه شعله کشید تا تمام دودمان جمهوری اسلامی را خاکستر کند. از خیزش بزرگ و سراسری دی‌ماه ۹۶ که نزدیک به ۱۰۰ شهر را دربرگرفت، بر یک دوران رکود سیاسی نقطه پایان گذاشت و آغاز یک دوران انقلابی را رقم زد، دوران تلاطمات شدید سیاسی سراسر جامعه را فراگرفت. سکون و سکوت توده مردم در برابر تعرضات ضدانقلاب پایان گرفت و خیابان‌ها به عرصه حضور وسیع و گسترده توده‌های زحمتکش تبدیل شد. مبارزه از شکل تدافعی به تعرضی تغییر شکل داد و ضدانقلاب را از خیابان‌ها به پادگان‌ها عقب راند. به‌رغم سرکوب خونین خیزش بزرگ دی‌ماه، کشاکش میان کارگران و عموم توده‌های زحمتکش و ضدانقلاب تداوم



یافت. اعتصابات کارگری، تک‌جوش‌ها و اعتراضات پراکنده توده‌ای نیز ادامه یافت. تیرماه ۹۷ تظاهرات توده‌ای در چند شهر، چندین روز آرام و قرار رژیم را ربود و تنها پس از سرکوب بی‌رحمانه فروکش نمود. باین‌همه تظاهرات توده‌ای در خوزستان، اعتصاب سیاسی در کردستان، و تظاهرات و تجمعات اعتراضی کارگران، معلمان، بازنشستگان و دانشجویان ادامه یافت و طولی نکشید که اعتصابات و اعتراضات خیابانی کارگری در آبان و آذر ۹۷، جنبش کارگری-توده‌ای را وارد مرحله نوینی ساخت و زمین زیر پای طبقه حاکم را داغ کرد. یک سال بعد درست زمانی که طبقه حاکم گمان می‌برد با سرکوب خشن و بازداشت کارگران و معلمان و دانشجویان و فعالان جنبش‌های اجتماعی می‌تواند بی‌سروصدا و بدون دردسر و هرگونه مقاومت توده‌ای سیاست خود را اجرا کند، قیام سراسری آبان در گرفت که مرز تمام شعارها و اشکال رادیکال پیشین مبارزه را پشت سر گذاشت و فرازهای کاملاً نوینی را فراروی جنبش انقلابی گشود. در همان نخستین روزهای قیام، خیابان‌ها در ۲۸ استان و بیش از ۱۰۰ شهر به تسخیر قیام‌کنندگان

قیام سراسری آبان، گرمی داشت، درس‌ها و تجارب



اما پیش از آنکه خود را مسلح کند سرکوب شد. این قیام به مردم ایران آموخت که جنگ مسلحانه بانظم حاکم و قیام مسلحانه برای برانداختن نظم موجود ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین تدارک نظامی قیام، بی‌چون‌وچرا، یک نیاز مبرم و ضروری ست. در عین حال نیروی پیش‌تاز قیام در اولین یورش‌های خود به مراکز نظامی و تسلیحاتی رژیم و مصادره سلاح، باید خود را مسلح کند. مراکز مهم و استراتژیک از جمله مراکز سرکوب رژیم، مخابرات، فرستنده‌های رادیوتلوویزیون، رسانه‌ها و مطبوعات رژیم و امثال آن را از قبل باید شناسایی کرد و بهترین راه حمله به آن را با بهدقت مشخص و در نخستین امواج قیام آن را تسخیر کرد. محل زندگی و مشخصات تمام فرماندهان سپاه، ارتش و بسیج، نیروهای امنیتی و اطلاعاتی، قضات، رؤسای زندان‌ها، بیت خامنه‌ای، جاسوسان، امامان جمعه و امثال آن را نیز باید شناسایی و جمع‌آوری نمود و فرصت فرار از بازداشت و دادگاه‌های خلق و مجازات را از آنان گرفت.

قیام آبان ۹۸ در عین حال نشان داد که برای درهم شکستن قدرت نظامی و سرکوب رژیم، توده‌های زحمتکش مردم باید در ابعاد سرتاسری به جنگ نظم موجود برخیزند و با قیام مسلحانه سراسری آن را به زیر کشند.

توده‌های زحمتکش مردم، کارگران و زحمت‌کشان با استفاده از تجارب و درس‌های قیام آبان ۹۸ بی‌شک در نبردهای آتی با آمادگی بیشتر و اشکال مبارزاتی پیشرفته‌تر و مؤثرتری وارد خیابان خواهند شد. اعتصابات مکرر در نفت و گاز و پتروشیمی به‌ویژه اعتصاب گسترده و فراگیر و سراسری در بیش از ۴۰ پالایشگاه، پتروشیمی، حفاری و شرکت‌های نفت و گاز در عسلویه، پارس جنوبی، منطقه ماهشهر و سایر مناطق که ۱۱ مرداد ۹۹ آغاز شد و نزدیک به یک ماه ادامه داشت و کارگران واحدهای دیگر از جمله کارگران چندین نیروگاه برق نیز به آن پیوستند، پیش‌درآمد اعتصابات فراگیر و سراسری بزرگتری است که در راه است. اعتراض علیه وضع موجود و برای دگرگونی آن، این بار توسط کارگران صنعت نفت و گاز و پتروشیمی کلید خورده است. اعتصاب عمومی سیاسی بی‌شک رخ خواهد داد. چراکه منطق مبارزه طبقاتی در یک دوران انقلابی چنین حکم می‌کند. مهم اما این است که در شرایط فعلی یاری رسان ایجاد کمیته‌های اعتصاب و کمیته‌های هماهنگی اعتصاب در مقیاس هرچه وسیع‌تری باشیم، سهم و وظیفه خویش را در گسترش اعتصابات کارگری از نوع آنچه در نفت و گاز و پتروشیمی اتفاق افتاد کنیم و بار دیگر بر این نکته تأکید کنیم که رژیم جمهور اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت.

پرتلاطمی است که از دی‌ماه ۹۶ آغاز شده، تا به امروز ادامه یافته و تأثیرات مهمی بر جامعه و جنبش‌های اجتماعی گذاشته است. این نخستین بار بود که توده‌های زحمتکش در یک قیام سراسری با شعارها و خواست‌های رادیکال و اشکال مبارزاتی جدید و براندازانه، رژیم جمهوری اسلامی و تمام نظم موجود را در مقیاس تمام کشور به چالش جدی می‌کشیدند. جنبش مبارزاتی توده‌ای وارد چنان مرحله‌ای از رشد و گسترش خود شد که تا جازو کردن و برچیدن بساط جمهوری اسلامی فاصله چندانی نداشت. باهنر، نایب‌رئیس پیشین مجلس ارتجاع روز دوشنبه ۵ آبان ۹۹ چنین اعتراف کرد که اگر سران حکومت و نیروهای سرکوب، اعتراضات آبان ۹۸ را "جمع" نکرده بودند، این اعتراضات به سمت انقلاب پیش می‌رفت که اصلاً قابل‌جمع کردن نبود.

در گرمی‌داشت و عظمت قیام آبان ۹۸ هر چه بگویم کم است. جانب دیگر قضیه اما کمبودها و نقاط ضعف آن است که اهم آن‌ها را به اختصار مرور می‌کنیم.

صرف‌نظر از حضور فردی و پراکنده کارگران در قیام آبان، این واقعیتهایی است که طبقه کارگر به‌عنوان یک نیروی متشکل در این قیام حضور نداشت. غیبت طبقه کارگر بزرگترین و مهمترین نقطه‌ضعف قیام بود. نیازی به توضیح نیست که اگر طبقه کارگر با اشکال مبارزاتی مختص خود وارد صحنه نشود و تمام نیروها و مخالفین نظم موجود را زیر پرچم خود بسیج نکند، قیام و انقلاب به پیروزی نخواهد رسید. سلاح مبارزاتی بسیار مهم و بُزندهی طبقه کارگر در قبال طبقه و نظم حاکم، اعتصاب است. طبقه کارگر با اعتصابات اقتصادی و سیاسی سرتاسری است که می‌تواند رژیم را به‌طور جدی فلج کند و زمینه اعتصاب عمومی سیاسی و در ادامه، بستر قیام مسلحانه و سرنوشتی نظم حاکم را فراهم سازد. شیوه مختص مبارزه طبقه کارگر و ورود متشکل آن به صحنه مبارزه توأم با پیش‌تازی و ابتکار عمل این طبقه، می‌تواند تضمینی بر رهبری طبقه کارگر در قیام و انقلاب و پیروزی آن باشد. بنابراین بر همه کمونیست‌ها فرض است که به‌منظور تشکل، آگاهی، تجهیز و آمادگی طبقه کارگر برای ورود متشکل به صحنه، از هیچ کوششی فروگذار نکنند. مقدم بر هر چیز باید کمیته‌های اعتصاب را در تمام کارخانه‌ها، پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها، حفاری‌ها و در سایر صنایع ایجاد نمود و بی‌درنگ کمیته‌های هماهنگی اعتصاب و اعتصابات وسیع کارگری را سازمان داد. گسترش اعتصابات کارگری زمینه‌های ورود گسترده‌تر کارگران به عرصه مبارزه و سازمان‌یابی اعتصابات فراگیر و سرتاسری و در نهایت اعتصاب عمومی سیاسی را فراهم می‌سازد.

تجربه قیام آبان بار دیگر نشان داد که ارتجاع حاکم در برابر هر مبارزه توده‌ای و در برابر هر تحول انقلابی با سرسختی می‌ایستد و از کشتار وسیع و سرکوب خونین و بی‌رحمانه نیروی این تحول ابایی ندارد. قیام آبان به توده‌های مردم آموخت که با دست‌خالی نمی‌توان رژیم خونریز وحشی سرتاپا مسلح جمهوری اسلامی را به زیر کشید. قیام آبان ۹۸ گرچه تا آستانه دست بردن به سلاح پیش رفت،

از حدود یک هفته فرونشاند شد. قیام آبان که در اعتراض به افزایش بهای بنزین جوانه زد، در آخرین روزهای این ماه در خون قیام‌کنندگان غرق شد. قیام سرکوب شد اما با کشتار و سرکوب نمی‌توان مانع خیزش‌ها و اعتراضات مردم شد. جامعه در دورانی که از دی‌ماه ۹۶ به آن پا گذاشته است، به‌قدر کافی متلاطم هست که قیام و اعتراض از جایی دیگر و تحت عنوانی دیگر سر بلند کند. آری هر سرکوب و کشتار، نیروی بیشتری به میدان اعتراض و مبارزه کشیده می‌شود. چنانکه سرکوب خیزش دی‌ماه ۹۶، قیام آبان ۹۸ را در پی داشت. در یک دوره انقلابی و تحت چنین شرایطی که تضاد میان بالایی‌ها و پایینی‌ها بسیار حاد شده و به نقطه ستیز رسیده است، هر رویداد کوچک یا بزرگی می‌تواند اعتراض گسترده توده‌ای را شعلهور سازد. چنانکه ۱۶ آذر روز دانشجو در سال ۹۸ در ابعاد و موقعیت بسیار متفاوتی با سال‌های قبل‌تر برگزار شد. هنوز خون سرخ جان‌باختگان قیام آبان بر سنگفرش خیابان‌ها خشک نشده بود که پرچم مبارزه و دفاع بی‌پاکانه از قیام، اهداف و شعارهای آن در دانشگاه به اهتزاز درآمد. پرچمی



که مهر و نشان گرایش چپ رادیکال و سوسیالیستی دانشجویی را بر خود داشت. جنبش چپ رادیکال و سوسیالیستی دانشجویی نه‌فقط با شجاعت و صراحت کم‌نظیری از قیام‌کنندگان به دفاع برخاست و در برابر سرکوب‌کنندگان قیام توفنده ظاهر شد، بلکه بر تداوم اعتراض و مبارزه تأکید کرد. "آبان ادامه دارد حتی اگر شب و روز بر ما گلوله بارد." یک ماه بعد تظاهرات گسترده توده‌ای دی‌ماه ۹۸ در اعتراض به سقوط هواپیمای مسافربری اوکراینی در تاریخ ۱۸ دی ۹۸ در اثر شلیک دو موشک پدافند هوایی سپاه و کشته شدن تمام سرنشینان آن نیز از دانشگاه آغاز شد. اعتراضات و تظاهراتی که در دانشگاه تهران، امیرکبیر و صنعتی شریف شکل‌گرفته بود به‌سرعت به سایر دانشگاه‌ها و مه‌تر از آن به بیرون از دانشگاه تسری یافت. موج اعتراضات گسترده توده‌ای خیابان‌های ده‌ها شهر را دربر گرفت و حدود یک هفته ادامه یافت و بار دیگر شرایط سیاسی متلاطم و نیاز حیاتی جامعه به یک تحول و دگرگونی بنیادی و تلاش توده مردم برای رقم زدن به چنین تحولی را نشان داد. "هزاوپانصد نفر کشته آبان ماست" از جمله شعارهای این اعتراضات و بیانگر ادامه قیام آبان بود. شعار نان کار آزادی، "اصلاح‌طلب اصول‌گرا دیگه تمومه ماجرا" که از دانشگاه روید و قد کشید و در مقیاس توده‌ای و سراسری شکوفه داد، اکنون با شعار مهم دیگری تکمیل شد: "نه رفراوندم نه اصلاح، اعتصاب، انقلاب!!"

قیام سراسری آبان ۹۸ تا این لحظه نقطه اوج دوران

مردمی که در سکوت کشتار می شوند

با افزایش شدید مرگ و میر ناشی از کووید ۱۹، "دوشنبه سیاه" به فراموشی سپرده شد. به جای "دوشنبه سیاه"، اکنون چهارشنبه های سیاه، پنجشنبه های سیاه، یکشنبه های سیاه و روزهای سیاهتری که مدام تکرار می شوند، نشسته اند. روزهای فاجعه باری که در مارتن مرگ و نیستی، مدام رکورد شکنی می کنند و آمارهای جدیدی از کشتار بی پروای توده های مردم ایران بر سکوی مرگ و نیستی به نمایش گذاشته می شوند.

نمونه اش، تعداد بالای جان باختگان کرونا در روز چهارشنبه، هفتم آبان ۱۳۹۹ است. روزی که سخنگوی وزارت بهداشت، میزان جان باختگان این روز را ۴۱۵ نفر و تعداد مبتلایان جدید را، ۶ هزار و ۸۲۴ نفر اعلام کرد. آماري که در مقایسه با "دوشنبه سیاه"، افزایش چشمگیری داشت. رقمی که به باور شماری از مسئولان وزارت بهداشت، غیر واقعی است و با میزان واقعی کشته شدگان فاصله زیادی دارد.

ایرج حریری، مدیر کل وزارت بهداشت از جمله کسانی است که، میزان جان باختگان کرونا را دو برابر و نیم آمارهای دولتی دانسته است. حسین قشلاقی، عضو شورای عالی نظام پزشکی کشور نیز، از جمله افرادی است که آمار واقعی جانباختگان و مبتلایان را، چهار برابر آمارهای رسمی اعلام کرده است. میزان فاجعه بار کشته شدگان ویروس کرونا که این روزها به رقم بالایی رسیده است، البته در روز چهارشنبه هفتم آبان ماه ۹۹ متوقف نشد. این روند، در روز پنجشنبه هشتم آبان، با جان باختن ۳۹۹ نفر و تعداد ۸ هزار و ۲۹۳ مبتلای جدید تکرار شد. فاجعه ای که در روز شنبه دهم آبان با ۳۸۶ جان باخته و ۷ هزار و ۸۲۰ ابتلای جدید تداوم یافت و در روز یکشنبه ۱۱ آبان، با جان باختن ۴۳۴ نفر طی یک شبانه روز با رکوردی تازه به بالاترین میزان کشتار روزانه تا به امروز رسیده است. در این میان، وضعیت تهران به لحاظ میزان مرگ و میر و رکورد شکنی بسیار فاجعه بارتر از دیگر مناطق کشور گزارش شده است. طی هفته های اخیر، وضعیت تهران آن چنان فاجعه بار بوده است که علیرضا زالی، فرمانده عملیات مقابله با بیماری کرونا در تهران، به تاریخ هفتم آبان ماه جاری اعلام کرد، در یک ماه گذشته شاهد رکوردزنی ۹ باره در تهران بوده ایم و در روزهای اخیر، برای پنجمین روز متوالی، عدد بستری شدگان کرونایی از ۶ هزار نفر پایین تر نیامده است.

حال در چنین وضعیتی فاجعه بار که انگشت اتهام کشتار بی محابای توده های مردم ایران به سمت دولت جمهوری اسلامی نشانه رفته است، در چنین شرایطی مرگبار، که نالایی، بی تفاوتی و بی مسئولیتی هیئت حاکمه ایران برای همگان آشکارتر شده است، دولت و وزارت بهداشت جمهوری اسلامی برای سرپوش گذاشتن بر عمق جنایات و بی مسئولیتی شان، توده های مردم را عامل بوجود آمدن وضعیت موجود معرفی می کنند. روحانی و وزارت بهداشت، به طور شبانه روز در بوق های تبلیغاتی خود می دمند تا علت اصلی شیوع شدیدتر کرونا در ایران را، پیروی نکردن شهروندان از دستورالعمل های بهداشتی وانمود کنند.

حسن روحانی، وزیر بهداشت و مجموعه هیئت حاکمه ایران به طرز آشکاری خود را به نفهمی زده

مهر ماه که ویروس کرونا جان ۴۱۵ نفر از توده های مردم ایران را گرفته است، از "توجه ویژه دولت" نسبت به سلامت مردم ایران گزافه گویی کرده است. گویی، وزیر بهداشت کابینه روحانی از کره مرخ به ایران سفر کرده است و به کلی از شرایط نابسامان پزشکی و ناکارایی سیستم درمانی کشور بی خبر است، که این چنین به هذیان گویی دچار شده است. اگر به زعم سعید نمکی، "توجه ویژه به سلامت" توده های مردم ایران نتیجه اش این همه مرگ و کشتار روزانه است، پس در پرتو بی توجهی دولت "تنبیر و امید" چه سرنوشت فاجعه بارتری بر سر توده های مردم ایران آوار می شد.

میزان گزافه گویی های تبلیغاتی دولت و وزیر بهداشت کابینه روحانی، آنگاه آشکارتر می گردد که بدانیم، در همین روزهای مرگباری که ویروس کرونا در ایران بیداد می کند و هر روزه بیش از ۴۰۰ نفر از توده های مردم ما در سکوت کشتار می شوند، در کشورهای پیرامونی ایران نظیر افغانستان و عراق و ترکیه، اوضاع از نظر شیوع کووید ۱۹ تا چه حد نسبت به وضعیت ایران بهتر و مناسب تر است. در افغانستان، آمار جانباختگان روزانه، کمتر از ۵ نفر و در بعضی روزها بدون مرگ و تعداد مبتلایان نیز حدود ۵۰ نفر در روز اعلام می شوند. در عراق، میزان جان باختگان روزانه، حدود ۵۰ نفر و در ترکیه نیز حدود ۷۵ نفر گزارش شده اند. تعداد مبتلایان جدید روزانه در ترکیه، حدود ۳ هزار نفر و در عراق نیز حول و حوش ۲ هزار نفر در روز اعلام می شوند. در کشورهای حوزه خلیج فارس نظیر عربستان سعودی نیز تعداد مرگ و میر ناشی از کرونا کمتر از ۵۰ نفر در روز است. اگرچه آمارهای فوق می توانند جعلی و به دور از واقعیت باشند، اما باز هم در مقایسه با آمارهای جعلی دولت ایران بیانگر شرایط کاملاً بهتری نسبت به جمهوری اسلامی اند.

وضعیت ایران اما به عینه نشان می دهد که دولت و هیئت حاکمه ایران، توده های مردم را بکلی به حال خود رها کرده اند. شرایط کشور اکنون به چنان فاجعه ای رسیده است، که مصطفی ظفرقندی، رئیس سازمان نظام پزشکی کشور روز یکشنبه ۱۱ آبان ماه جاری در مصاحبه با خبرگزاری ایسنا گفته است: "ایران مدت هاست که از نظر تعداد مرگ و میر ناشی از کرونا جزو پنج کشور اول در جهان است و اگر جدی گرفته نشود، آینده بسیار بدتر خواهد بود". او، در این مصاحبه، با "فاجعه" خواندن مرگ و میر ناشی از کرونا گفته است: "سازمان نظام پزشکی با بررسی های میدانی، در بیمارستان ها و محل های دفن افراد مبتلا به کرونا، عددی حداقل سه برابر آمار اعلامی را در زمینه مرگ و میر ناشی از کووید ۱۹ کسب کرده است".

در چنین وضعیتی مرگبار که مدت هاست سراسر کشور را فرا گرفته است، روا نیست کارگران و زحمتکشان ایران در اثر کرونا و در ابعادی چند صد نفره در روز جان ببازند و دولت جنایتکار جمهوری اسلامی نیز در سکوت و بی مسئولیتی همچنان به کشتار توده های مردم ایران ادامه دهد. وضعیت موجود یک هشدار جدی به کارگران و عموم توده های مردم ایران است که برای برون رفت از آن، باید بپا خیزند. پس "برخیز و خواب را... برخیز باز روشنی آفتاب را".

پی نوشت

شعر شروع و پایان مقاله بر گرفته از مجموعه "...تارهایی" از حمید مصدق است.

اند. آنان فراموش کرده اند که چگونه برگزاری مراسم محرم را در سراسر کشور، چه شهر و چه روستا برای همگان تبلیغ کردند. روحانی مردم را تشویق کرد حتا در مناطق قرمز کرونایی نیز مراسم محرم را "هرچه با شکوه تر" برگزار کنند. وزارت علوم، کنکور چند میلیونی را بدون رعایت پروتکل های بهداشتی برگزار کرد. وزارت آموزش و پرورش، با دستورالعمل دولت، مدارس را بدون در نظر گرفتن جان و سلامت میلیون ها معلم و دانش آموز، بازگشایی کرد. در این میان، قرظینه کردن شهرها هرگز مورد توجه دولت قرار نگرفت و کل هیئت حاکمه ایران، هرگز به قرظینه کردن شهرهای آلوده به ویروس کرونا تن در نداد. طبقه سرمایه دار حاکم و دولت سیاسی پاسدار منافع آن، توده های کارگر و زحمتکش را بدون فراهم کردن کمترین امکانات بهداشتی جهت سود بری اقتصادی راهی کارخانه و اتوبوس و خیابان های شلوغ و متروهای پر ازدحام کردند. تعطیلی مراکز تفریحی و شادمانی توده های مردم اگرچه بیر هنگام تا حدودی اجرا شد، اما دولت و مسئولان بهداشتی کشور چشمان خود را به روی برگزاری های پی در پی مراسم مذهبی بستند.

همین دو هفته پیش، درست در شرایطی که آمار کشته شدگان ویروس کرونا به بیش از ۳۰۰ نفر در روز رسیده بود، جشن مذهبی چندین هزار نفری در سالن های سرپوشیده مشهد برگزار شد. در این میان، نه کسی بازخواست شد، نه کسی از برگزار کنندگان اینگونه مراسم های مذهبی چندین هزار نفره، دستگیر شدند و نه آب از آب تکان خورد. تازه، برگزارکنندگان اینگونه مراسم های مذهبی زبان شان نیز درازتر شد.

به راستی برای برون رفت از این وضعیت مرگبار کرونایی چه باید کرد؟ اکنون، که توده های مردم ایران در سکوتی وهم انگیز کشتار می شوند، اکنون که دستان جنایتکار دولت جمهوری اسلامی برای همگان رو شده است، اکنون که حتی شماری از متخصصان پزشکی کشور از جمله حسین قشلاقی، عضو شورای عالی نظام پزشکی ایران، "ضعف مدیریت، بهره نگرقتن از شیوه های علمی و ناهماهنگی در بین ارکان حاکمیت، کمبود تجهیزات و اشیاع بیمارستان ها را علت افزایش شمار مبتلایان" عنوان کرده اند، چرا دولت و وزارت بهداشت جمهوری اسلامی با تبلیغات مضاعف، بی کفایتی خود را بر دوش توده های مردم ایران انداخته اند؟

اکنون، که آمار رسمی جانباختگان ویروس کرونا در ایران از مرز ۴۰۰ نفر و میزان مبتلایان جدید نیز از مرز ۸ هزار نفر در روز فراتر رفته است، اکنون که همه شواهد، ناشی از آن است که اوضاع پزشکی، درمانی و بهداشتی کشور از دست دولت و وزارت بهداشت در رفته است، اکنون که کل کشور در هاله ای از مرگ و نیستی فرو رفته است، چرا سعید نمکی، وزیر بهداشت کابینه روحانی در وقاحتی کم نظیر اعلام کرده است: "هیچ دولتی به اندازه دولت تنبیر و امید به بخش سلامت توجه ویژه نکرده است"؟ بیان اینگونه لاطانات، در شرایطی که توده های مردم ایران بی محابا کشتار می شوند، دیگر وقاحت نیست، این دیگر بی شرمی هم نیست، بلکه بلاهت محض وزیر بهداشت کابینه روحانی است. آن چنان بلاهتی که درست در همان روز هفتم

تورم، افسارگسخته به پیش می‌تازد، مرکز آمار، دروغ تحویل مردم می‌دهد

لپه یا اتومبیل و غیره یا مقایسه با مناطق دیگر نتیجه می‌شود. یک ادعای حقیقتاً مضحک. در حالی که از نظر مردم گرانی همان افزایش قیمت هاست، به نحوی که دیگر نتوانند با مبلغ معینی پول که یک هفته، یک ماه پیش، یک یا چند کالا را تهیه می‌کردند، به همان مقدار پیشین، کالاها یا خدمات را خریداری کنند. تورم هم بر خلاف ادعای رئیس مرکز آمار " درصدی تغییرات قیمت در یک کالا" نیست، بلکه افزایش پیاپی قیمت کالاها در نتیجه سقوط ارزش پول است. اما گذشته از تعاریف بی بدیل رئیس مرکز آمار در مورد گرانی و تورم، ببینیم که او چگونه می‌خواهد نرخ تورم نقطه‌ای ۴۱ درصدی و نرخ تورم سالانه ۲۷ درصدی را نشان دهد. وی " با اشاره به قیمت متوسط کالاها در شهریور امسال نسبت به شهریور سال گذشته گفت: " قیمت هندوانه بیش از ۱۶۷ درصد، طلا بیش از ۱۶۶ درصد، پژو ۴۰۵ نزدیک به ۱۳۸ درصد، پرتقال وارداتی ۱۳۸ درصد، تپیا ۵ / ۱۳۳ درصد، پراپد ۴ / ۱۲۰ درصد، لیمو ۱ / ۱۱۸ درصد، برنج ۵ / ۱۰۹ درصد، گواهی امضاء ۶ / ۹۹ درصد، کدو سبز ۴ / ۸۴ درصد افزایش یافته است. در شهریور ماه سال ۹۹ نسبت به ماه مشابه سال قبل، متوسط قیمت بسیاری از کالاها با افزایش مواجه بوده‌اند از جمله برنج خارجی با ۱۰۹ درصد، عدس با ۱۳۷ درصد، لپه با ۱۱۹ درصد و برخی از اقلام کالایی با افزایش متوسط قیمت کمتری مواجه بودند از جمله گوشت قرمز گوسفند و گوساله و برخی اقلام کالایی متوسط قیمت‌شان کاهش داشته از جمله سیب زمینی و رب گوجه. کالاهای با دوام هم بیش از ۹۲ درصد افزایش قیمت داشته‌اند." از همین اقلامی که وی به آن‌ها اشاره می‌کند و تقریباً عموم کالاها در یک سال گذشته با همین درصدها در افزایش قیمت مواجه بوده‌اند، روشن است که نمی‌توان رقمی حتی در حدود نرخ های اعلام شده مرکز آمار را درآورد.

اولاً تمام کالاهای با دوام در این فاصله یک سال ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد افزایش یافته‌اند. دقیقاً به همان میزان که دلار افزایش یافته است. ثانیاً- کمتر نمونه‌ای از کالاهای مصرفی روزمره را می‌توان یافت که کمتر از ۱۰۰ درصد، در طول یک سال افزایش یافته داشته باشد. تا جایی که به بخش خدمات بر می‌گردد، افزایش قیمت‌ها در برخی موارد، بین ۵۰ تا صد درصد بوده است. بنابراین غیر ممکن است که مرکز آمار از تورم سالانه‌ای که قطعاً حدود ۱۰۰ درصد است، بتواند رقم ۲۷ درصد را به عنوان نرخ تورم سالانه یا ۴۱ درصد را به عنوان تورم نقطه‌ای درآورد. فقط از عهده مرکز جعل آمار ایران ساخته است که نرخ تورم سالانه ۲۷ درصدی و نرخ ۴۱ درصدی نقطه‌ای را در بیابرد. بنابراین خبرگزاری دولتی ایلنا مشکل بی اعتباری مرکز آمار را در میان مردم ایران برطرف نکرد، بلکه با این مصاحبه، بی اعتباری این موسسه و آمارهای آن را افزایش داد. مردم کاملاً حق دارند که کمترین ارزشی برای آمار این نهاد دولتی نه

فقط در مورد نرخ تورم، بلکه آمارهای دیگر آن از جمله نرخ بیکاری، نرخ‌های رشد اقتصادی و غیره، قائل نباشند. البته نا گفته نماند که این فقط مردم معمولی ایران نیستند که آمار مرکز آمار را جعلی و ساختگی می‌دانند، بلکه بسیاری از اقتصاددانان‌های خود رژیم نیز آن‌ها را بی اعتبار می‌دانند.

در ایران اما اکنون دیگر جهش قیمت‌ها، روزانه و هفتگی شده است. همه می‌دانند که در طول دو هفته اخیر برخی اقلام خوراکی مورد نیاز مردم نایاب و کمیاب شده و بهای بسیاری از کالاها در همین فاصله جهشی بیش از ۵۰ درصد داشته است. در گزارش‌هایی که برخی مطبوعات و خبرگزاری‌های رژیم در این چند روز انتشار دادند، عمق فاجعه‌ای که گرانی به بار آورده و زندگی کارگران و زحمتکشان را تباہ کرده، آشکار است.

خبرگزاری دولتی فارس در گزارشی که از این گرانی‌ها در منطقه ۱۹ تهران انتشار داد، نوشت: قیمت گوشت و انواع محصولات پروتئینی در بازار به شدت گران شده است، این قیمت‌ها در هفته گذشته به یکباره رشد کرده است.

قیمت گوشت گوسفندی در هفته گذشته کیلویی ۱۲۵ هزار تومان و گوشت گوساله ۹۰ هزار تومان بود که امروز در منطقه ۱۹ تهران به ترتیب ۱۶۵ هزار تومان و ۱۲۰ هزار تومان عرضه می‌شود. ماهی تیلاپیا ۱۱۰۰۰ ماهی قزل‌آلا ۴۳۰۰۰، مرغ ۲۴۶۰۰، فیله مرغ ۴۸۵۰۰، کتف و بال ۲۹۰۰۰، قارچ ۲۷۵۰۰ تومان. قیمت هر کیلو مرغ دو هفته پیش زیر ۱۵ هزار تومان و ماهی تیلاپیا در یکی دو ماه گذشته کیلویی ۷۰ هزار تومان بود. وقتی که در یک منطقه جنوبی تهران قیمت‌ها چنین جهشی داشته باشد، قطعاً در مناطق دیگر این افزایش شدیدتر است.

یکی از مردم همین منطقه می‌گوید: "قیمت‌ها چند برابر شده است اما حقوق ما ثابت مانده است. البته خیلی‌ها هم بیکار هستند و به خاطر کرونا کارشان تعطیل شده است و نمی‌دانم که آنها چه می‌کنند.

شاید در منطقه‌های بالا که افراد با درآمد بالا و ثروتمند زیاد است و برای آنها این قیمت‌ها چیزی نباشد چون به همان اندازه هم درآمد دارند، اما برای مناطق پایین‌شهر که بسیاری از آنها زندگی‌شان به یارانه ماهانه‌شان بستگی دارد، گذران زندگی بسیار سخت است."

یک زن کارگر در گفتگو با خبرگزاری مهری می‌گوید: "مردم توان خرید در این وضعیت گرانی را ندارند. شوهرم کارگر بوده و ماهانه کمتر از یک میلیون تومان درآمد دارد، با این درآمد باید اجاره خانه و قسط وام بدهیم و دیگر چیزی برای خرید میوه و یا مایحتاج ضروری نمی‌ماند." قیمت روغن در همین چند روز تا ۴۰ درصد افزایش یافته است. نان نیز در طول دو هفته اخیر ۲۵ تا ۳۰ درصد افزایش قیمت داشته است.

در حال حاضر هر کیلو موز به قیمت ۱۹ هزار تومان، گوجه ۱۵ هزار تومان، سیب درجه یک

از ۱۴ تا ۲۵ هزار تومان، گلابی ۲۵ هزار تومان، پیاز پنج تا هفت هزار و ۵۰۰ تومان، لیمو شیرین ۹ هزار تومان و لیمو ترش ۱۶ هزار تومان رسیده است.

اکنون گرانی میوه و سبزی به حدی افزایش یافته است که " اگر آخر شب‌ها به بازار روزهای سطح شهر سری بزنید مشاهده خواهید کرد که افراد زیادی برای خرید میوه‌های دور ریز می‌آیند. بسیاری از اقشار کم درآمد برای تأمین مایحتاج خود مجبور به خرید میوه‌های مانده در ته بساط فروشندگان هستند."

دیگری می‌گوید: "دلما به گوجه و املت خوش بود که همان را هم دیگر قدرت خریدش را نداریم."

اما فقط در تهران نیست که بهای تعدادی از کالاهای مورد نیاز روزمره مردم در طول یک هفته جهش ۶۰ تا ۷۰ درصدی داشته است. در شهرستان‌ها هم وضع بر همین منوال است، با این تفاوت که علاوه بر گرانی، برخی کالاها مثل مرغ و روغن، کمیاب هم هستند. در خراسان بهای هر کیلو مرغ به بیش از ۲۵ هزار تومان افزایش یافته و در برخی شهرهای این استان پیدا نمی‌شود.

خبرگزاری مهر از کرمان گزارش می‌دهد: روغن جامد و مایع در مغازه‌ها کمیاب شده، نرخ اجناس اساسی و مصرفی جامعه به صورت پله‌ای در حال افزایش و نرخ مرغ هم به یکباره طی یک هفته از ۱۸ هزار تومان به ۲۶ هزار تومان رسیده است. قیمت هر کیلو گوجه‌فرنگی به بالای ۱۵ هزار تومان رسیده است.

داروها نیز بیش از صد درصد قیمت شان افزایش یافته است. یک بیمار دیابتی و قلبی می‌گوید: داروی قلبی را که هفت سال است استفاده می‌کنم نایاب شده و داروهای دیابت هم که تا قبل از این با قیمت ۱۱۰ هزار تومان تهیه می‌کردم پس از جستجوی فراوان در داروخانه‌ها در این شرایط کرونایی ۲۸۰ هزار تومان خریداری کردم و متصدی داروخانه می‌گفت اگر این دارو را تهیه نکنید قیمت‌ها تا ۳۰ درصد افزایش می‌یابد.

یکی از فروشندگان سوپرمارکت در گفتگو با خبرنگارمهر با نشان دادن قیمت یک ظرف ماست می‌گوید: الان قیمت پشت این کالا ۳۲ هزار تومان است، سه روز قبل همین کالا با درج قیمت ۲۸ هزار تومان فروخته می‌شد، قیمت این کالا در تیرماه ۱۹ هزار و ۴۰۰ تومان بود.

جمهوری اسلامی به تمام معنا برای مردم زحمتکش فاجعه به بار آورده است. از هم گسیختگی اوضاع اقتصادی در ایران، وضعیتی را پدید آورده که روزمره ارزش ریال سقوط می‌کند و پی در پی بهای کالاها و مایحتاج مورد نیاز توده‌های کارگر و زحمتکش افزایش می‌یابد. نتیجتاً دستمزد واقعی کارگران مدام کاهش می‌یابد. اگر یک کارگر فرضاً در آبان ماه سال گذشته ماهانه ۴ میلیون تومان به عنوان دستمزد دریافت می‌کرد، اکنون این ۴ میلیون به ۲ میلیون کاهش یافته است. چرا که در واقعیت با همان ۴ میلیون اسمی، در عمل فقط می‌تواند نیمی از کالاهایی را که یک سال پیش می‌خرید، به دست آورد. وقتی که هزینه اجاره مسکن و هزینه‌های صرفاً جانبی فرزندان این خانواده را در نظر در صفحه ۷



کارگران بازداشت شده شرکت نیشکر هفت تپه باید فوراً آزاد شوند

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی سرکوبگری‌های خود را علیه کارگران مبارز نیشکر هفت تپه تشدید کرده است. به گزارش سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، روز پنجشنبه ۸ آبان ماه در حالی که کارگران بخش‌های مختلف صنعتی در حمایت از همکاران خود که اضافه کاری تیر و مرداد ماه آنان واریز نشده است، در حال گفتگو با مسئولین شرکت بودند، نیروی‌های سرکوبگر پلیس با مداخله خود به قصد برهم زدن تجمع کارگران، باعث ایجاد نشنج شدند. در پی این اقدام سرکوبگرانه پلیس، چهار تن از کارگران به نام‌های، حیوری، عباسی منجری، یوسف بهمنی و حمید ممینی ساعت سه و نیم بعدظهر پنجشنبه توسط پاسگاه هفت تپه بازداشت شدند.

مداخله پلیس در جریان گفتگوی کارگران با مسئولان شرکت برای تحقق مطالبات خود و بازداشت چهار تن از کارگران، اقدام سرکوبگرانه جدید رژیم جمهوری اسلامی برای بازداشتن کارگران از مبارزه برای تحقق مطالباتشان است. اما ایستادگی قهرمانانه کارگران هفت تپه و ادامه مبارزات چند سال اخیر آنها به وضوح نشان داده است که رژیم با این اقدامات قادر نخواهد بود کارگران را مرعوب و از مبارزه باز دارد.

سازمان فدائیان (اقلیت) با حمایت از مطالبات و مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه، اقدامات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی را علیه کارگران شدیداً محکوم می‌کند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران بازداشت شده است.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی
نابود باد نظام سرمایه‌داری
سازمان فدائیان (اقلیت)
۸ آبان ماه ۱۳۹۹

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

از صفحه ۶

**تورم، افسارگسخته به پیش می‌تازد، مرکز آمار،
دروغ تحویل مردم می‌دهد**

مادام که جمهوری اسلامی در ایران بر سر کار است، مادام که سیاست‌های ارتجاعی موجود ادامه داشته باشند، اوضاع بر همین منوال خواهد بود و روز به روز بدتر هم می‌شود. برای کارگران و زحمتکشان ایران هیچ راهی برای نجات از این وضعیت اسف بار وجود نخواهد داشت، مگر آنکه به پا خیزند و تکلیف شان را با نظمی که جز فقر، گرانی، گرسنگی، بیکاری، استثمار، سرکوب و بی حقوقی نتیجه‌ای برای آنها نداشته است، یک سره کنند.

بگیریم، عملاً چیزی برای خورد و خوراک و لباس هم باقی نمی‌ماند. این ماجرائی است که سال به سال در حال رخ دادن است. کارگران و زحمتکشان، سطح معیشت‌شان مدام تنزل می‌یابد و فقیرتر می‌شوند. همانگونه که تجربه به همگان نشان داده است، هیچ چشم‌اندازی برای بهبود اوضاع در چهار چوب نظم حاکم، نیست. به فرض اگر چند درصدی هم بر دستمزد و حقوق افزوده گردد، تغییری در این وضع پدید نخواهد آورد. چرا که تورم فوراً آن را خنثی خواهد کرد.

در محکومیت وحشی‌گری اسلامی و دفاع از آزادی بیان بی هیچ حد و مرزی

می‌خواهد تا همچون دولت جمهوری اسلامی رفتار کنند. اداره‌های سانسور برپا سازند و هرگونه نقدی را بر مذهب که او وقیحانه آن را "افراطگرایی" می‌نامد، ممنوع کنند. او می‌خواهد از ایران دهان مردم اروپا را نیز ببندد. او و امثال او نمی‌فهمند که مردم فرانسه قرن‌هاست که این خرافات را بدور انداخته و هیچ چیز تحت‌عنوان "مقدسات" نمی‌تواند مانعی برای آزادی بیان‌شان ایجاد کند. آزادی بیانی که می‌تواند در شکل سخنرانی، مقاله، کتاب و یا کاریکاتور و غیره و در هر زمینه‌ای باشد.

آزادی بیان هیچ مرزی ندارد. هیچ دولتی حق ندارد به نام "تقدس" و غیره، اداره‌های سانسور برپا کرده و آزادی بیان را محدود کند. مردم ایران خود قربانی بزرگ ارتجاع مذهبی هستند، مردمی که قیام آبان ۹۸ را برای سرنگونی دولت دینی حاکم برپا کردند. این مردم با تمام وجود خود حس کردند که یک حکومت مذهبی به نام مذهب و خدا چه جنایاتی را می‌تواند مرتکب شود و برای همین نه فقط خواستار سرنگونی حکومت، بلکه خواستار جدایی کامل دین از دولت نیز هستند. اما جدایی کامل دین از دولت تنها این نیست که دولت و مذهب به‌گونه‌ای فیزیکی از هم جدا شوند و دیگر یک ولی فقیه حاکم بر امورات کشور نباشد.

جدایی کامل دین از دولت به این معناست که دیگر هیچ دینی به عنوان مذهب رسمی تلقی نشود، هیچ گونه تقدسی برای هیچ دین و مذهبی به رسمیت شناخته نشود. هر کسی آزاد باشد که دین باور باشد یا نباشد و همگان آزاد باشند تا عقاید خود را درباره دین به هر شکلی که مناسب می‌دانند از جمله کاریکاتور، فیلم، شعر و غیره و غیره بیان کنند. اما شکی نیست که هیچ دولت سرمایه‌داری در ایران تن به این آزادی نمی‌دهد. دولت سرمایه‌داری به ناآگاهی و خرافه‌پرستی نیاز دارد تا فجایع جامعه سرمایه‌داری را با توسل به خدا و مذهب توجیه کند. تنها یک حکومت شورایی، حکومت کارگران و زحمتکشان می‌تواند جدایی کامل دین و دولت را تحقق بخشد و از آزادی بیان در وسیع‌ترین شکل آن حمایت کند.

بی‌نوشت:

۱ - جدا از این برخی دلایل خاص نیز در مواضع برخی مقامات دولتی اثرگذار بوده است. برای نمونه اردوغان رئیس‌جمهوری ترکیه که به دلیل شکست سیاست‌های داخلی دولت تحت ریاست او و کاهش شدید محبوبیت او و حزب عدالت و توسعه، تلاش دارد تا با برداشتن پرچم اسلام‌گرایی به تحمیق عقب‌ماندترین بخش‌های جامعه ترکیه پردازد و آب رفته را به جوی بازگرداند.

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی
و قیام مسلحانه برانداخت**

تورم، افسارگسخته به پیش می‌تازد، مرکز آمار، دروغ تحویل مردم می‌دهد

این واقعیت دیگر بر کسی پوشیده نیست که دروغ و فریب یکی از مشخصه‌های بارز دولت دینی اسلام‌گرای حاکم بر ایران و نهادها و ارگان‌های وابسته به آن است. انتشار آمار و گزارش‌های کذب و غیر واقعی یکی از وظائف موسسات وابسته به این دولت است.

یکی از نهادهای رژیم که وظیفه جعل آمار را در خدمت دروغ‌پردازی طبقه حاکم برعهده دارد، مرکز آمار ایران است.

این نهاد دولتی در گزارش مهرماه خود در مورد نرخ تورم اعلام کرد: "در مهرماه ۹۹ تورم نقطه‌ای به ۴ / ۴۱ درصد، تورم ماهانه به ۷ درصد و تورم سالانه به ۲ / ۲۷ درصد رسید."

اما مردمی که در این یک سال شاهد افزایش بهای تقریباً تمام اجناس مصرفی روزمره و وسایل خانگی و با دوام، به دو و گاه چند برابر بوده‌اند، وقتی که آمار ۲۷ درصدی نرخ تورم سالانه را از مرکز آمار ایران می‌شنوند، تعجبی نخواهند کرد، چرا که می‌دانند وظیفه مرکز آمار ایران، همچون دیگر نهادها و موسسات دولتی،

جعل آمار در خدمت اهداف و مقاصد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی است. بی اعتباری و رسوائی این به اصطلاح مرکز آمار در میان مردم اکنون به جایی رسیده که چند روز پیش خبرگزاری ایلنا گفتگویی با رئیس این نهاد دولتی ترتیب داد تا از وی سؤال کند: "چرا مردم نرخ رسمی تورم را باور نمی‌کنند؟" ایشان البته پاسخی نداشت، جز این که بگوید: "موضوع بسیار مهم این است که عده‌ای بین تورم و گرانی تفاوتی قائل نمی‌شوند."

اما چگونه؟ وی پاسخ می‌دهد: "وقتی می‌گوییم کالایی گران است یعنی در قیاس با سایر کالاها گران است یا در قیاس با کالای مشابه در منطقه دیگر گران است اما تورم به معنای درصدی تغییرات قیمت در یک کالا است." بر طبق این استدلال رئیس مرکز آمار که معلوم نیست مدرکش را از کجا خریده است، اگر کالاهائی مثل گوشت گاو، گوسفند، مرغ یا روغن و حبوبات گران است، این گرانی از مقایسه آنها با

در صفحه ۶

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان
(اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization

Of Fadaian (Aghaliyat)

No 893 November 2020



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم‌دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی "کومله‌تی‌وی / شورا تی‌وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:

دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه‌شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

یکشنبه: بازپخش ساعات ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح

و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی